

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/02/16

**موضوع: نکات پنجگانه ای که یک جوان شیعه باید در مواجهه با مخالفین بداند!**

**برنامه حبل المتین**

**فهرست مطالب این برنامه:**

مسابقه ای برای غنچه های ولایت با جوایز نقدی نفیس!

نکات پنج گانه ای که یک جوان شیعه باید در مواجهه با مخالفین بداند!

«حدیث افتراق امت» در منابع شیعه و اهل سنت!

آیا عمل به قول و فعل صحابه، موجب نجات یک مسلمان می شود؟!؟

مراد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از «فرقه ناجیه»، کدام فرقه است؟!؟

اثبات حقانیت ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فقط با سه آیه و سه روایت!

اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به خلافت می رسید، چه اتفاقاتی می افتاد؟!؟

پنج عاملی که باعث شد مردم با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکنند!

تماس بینندگان برنامه

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». امیدوارم که تا این لحظه از ماه مبارک رمضان ماه ضیافت الله و در این مهمانی، طاعات و اعمال ما، روزه داری‌های ما، مناجات خوانی‌ها و شب زنده داری‌های ما مورد قبول احدیت قرار گرفته باشد.

همچنین ان شاء الله مقدراتی که برای امسال ما ثبت و ضبط شده و به امضای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است، طوری باشد که دل حضرت را شادمان کرده باشد.

همانطور که مطلع هستید به رسم شب‌های جمعه که امشب هم آخرین شب جمعه ماه مبارک رمضان است، این توفیق را داریم که در خدمتتان باشیم و برنامه «حبل المتین» را به محضر شما گرامیان تقدیم کنیم.

برنامه‌ای که این افتخار را داریم تا در آن از محضر حضرت آیت الله حسینی قزوینی بهره‌مند شویم. امشب هم ان شاء الله این توفیق را داریم که از محضرشان بهره‌مند شویم.

ابتداءً یک سلام و عرض ادبی خدمتشان داشته باشیم و مانند همیشه از حسن مطلع‌های فاطمی زیبایشان بهره‌مند شویم. خدمتتان سلام عرض می‌کنم، در محضرتان هستیم.

**آیت الله حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت مولایمان حضرت بقية الله الأعظم عرض سلام و عرض ارادت می‌کنم. همچنین خدمت همه بینندگان عزیز که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند یا تکرار این برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را با آروزی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب جانکاه شهادت مولایمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرج آن بزرگوار قرار بدهد، ان شاء الله.

گفتمش نقاش را از غربت زهرا بکش

گریه کرد و با قلم یک چادر خاکی کشید

گفتمش پس غربت زهرا کجای نقش بود

نال کرد و زیر چادر غنچه‌ای پرپر کشید

شد ز سیلی صورت زهرا کبود

پاسخ من کنت مولا این نبود

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء

**مجری:**

أحسنتم، طیب الله انفاسکم. الحمد لله محفلمان به نور حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) منور شد.

قبل از اینکه روال اصلی بحث خودمان را پیش بگیریم، لازم است بگویم که عزیزان بیننده زیادی پیگیر این مطلب بودند که اتفاقاً به حق هم پیگیری کردند.

آنطور که در خاطر هست در آستانه ماه مبارک بودیم که حضرت استاد مطلبی را بیان فرمودند مبنی بر اینکه یک برنامه و مسابقات مخصوصی راجع به بحث امامت و ولایت داریم که پاسخگوی آنها قشرهای مختلف مردم خواهند بود.

شرکت کنندگان این مسابقه از میان غنچه‌های ولایت و کسانی که کم سن و سال‌تر هستند تا مابقی سنین اعم از جوانان عزیز و تمام کسانی هستند که دوست دارند در زمینه ولایت و ولایت پژوهی فعالیت کنند.

می‌خواهیم از حضرت استاد درخواست کنیم راجع به این برنامه بیشتر توضیح بدهند و ببینیم قوی که داده شده و صحبت‌های مختصری که مطرح شده به کجا رسیده است.

**مسابقه ای برای غنچه های ولایت با جوایز نقدی نفیس!**

**آیت الله حسینی قزوینی:**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

ما قبل از ماه مبارک رمضان بحثی را شروع کردیم و عرض کردیم ان شاء الله در ماه مبارک رمضان تلاشمان بر این است که مسابقه‌ای برای عزیزان نونهال و غنچه‌های ولایت داشته باشیم.

ما پنج سؤال مطرح کردیم و اعلام کردیم به هرکدام از عزیزان که بتوانند این پنج سؤال را روی خط جواب بدهند هدایایی تقدیم خواهیم کرد. ما در گذشته در سال 1393 هم چنین مسابقه‌ای را داشتیم.

تلاش ما بر این است که ان شاء الله به پنج نفر اول حداقل نفری یک میلیون جایزه بدهیم، به پنج نفر دوم نفری پانصد هزار تومان و به نفرات بعدی هم تا ده نفر هدایایی تقدیم می‌کنیم.

همچنین هرکدام از غنچه‌های ولایت که چهارده سال و پایین‌تر داشته باشند به هرکدام از سؤالات که جواب بدهند، ما به حول و قوه و عنایت حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) دوپست هزار تومان به حسابشان واریز خواهیم کرد.

من این پنج سؤال را به صورت خلاصه عرض می‌کنم و بعد عزیزمان پیگیر هستند که تک تک این سؤالات را بپرسند. اگر بنده بتوانم امشب این سؤالات را تمام بکنم، فایل PDF آن را در سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» می‌گذاریم.

عزیزان ما این فایل را در گوشی موبایلشان دانلود کنند تا بتوانند با غنچه‌هایمان کار کنند. ان شاء الله با این کار ولایت و امامت استدلالی از همان دوران کودکی با گوشت و پوست و استخوان غنچه‌های ولایت عجین شود. وقتی چنین کاری انجام شد زمانی که غنچه‌های ولایت به دبستان و دبیرستان و بعد از آن دانشگاه می‌روند، در حقیقت زبان گویای امیرالمؤمنین و زبان گویای حضرت ولی عصر هستند.

غنچه‌های ولایت با این کار در حقیقت به «هل من ناصر» حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) لبیک گفته‌اند و می‌توانند دیگر کودکان و نونهالان و نوجوانان را با عقائد استدلالی امامت الهی و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین آشنا کنند.

نکته مهم‌تر این است که وقتی عقائد شیعه به صورت استدلالی و برهانی با گوشت و پوست و استخوان غنچه‌های ولایت عجین شد، وقتی وارد دبستان و دبیرستان و دانشگاه و جامعه می‌شوند دیگر شبهات نواصب و وهابیت در آنها اثر نمی‌گذارد.

در این صورت اگر غنچه‌های ولایت در دریای شرک هم قدم بگذارند، دیگر پای آنها به هیچ وجه آلوده نخواهد شد. بنابراین امیدواریم که ان شاء الله این کار کوچک ما مرضی مولایمان حضرت بقية الله الاعظم قرار بگیرد. من در خدمت حضرتعالی هستم.

**مجری:**

سلامت باشید، نکته بسیار دقیق و لطیفی است. ان شاء الله تمامی افرادی که متولی پرورش و تربیت کودکان و نونهالان هستند به این نکته توجه داشته باشند.

چه بسا بسیاری از مواقع، افرادی نظیر مربیان و دبیران یا پدر و مادر نونهالان همین دغدغه حضرت استاد را دقت داشته باشند. این دغدغه هم ناشی از آن عبارت معروف است که می‌فرماید:

«الْعِلْمُ فِي الضَّعْرِ كَالنَّفْثِ فِي الْحَجَرِ»

کنز الفوائد، نویسنده: کراچکی، محمد بن علی، محقق / مصحح: نعمه، عبد الله، ج 1، ص 319، فصل

من کلام أمير المؤمنين ص في ذكر العلم

حاج آقا ما می‌خواهیم قلبی به متقاضیان شرکت در مسابقه برسانیم و نسبت به سخن ابتدایی حضرتعالی مبنی بر تحقیق پیرامون مذهب صحبت کنیم. اگر قدری بیشتر توضیح بفرمایید ممنونیم.

نکات پنج گانه ای که یک جوان شیعه باید در مواجهه با مخالفین بداند!

آیت الله حسینی قزوینی:

موضوع اول یکی از مسائلی است که ضرورت بسیار دارد و ما بارها یادآوری کردیم که افراد اعم از شیعه، سنی، مسیحی یا یهودی قبل از اینکه به سراغ آیات قرآن بروند باید آن را فرا بگیرند. لازم به ذکر است که شاید افراد قرآن را هم قبول نداشته باشند، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)

بنا بر این بندگان مرا بشارت ده، کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

سوره زمر (39): آیات 17 و 18

در مقابل، وجدان بشری اقتضا می‌کند انسان نسبت به دین و مذهبش تحقیق داشته باشد و با برهان و استدلال به مبانی اعتقادی‌اش رسیده باشد.

وجدان و عقل به مبانی اعتقادی اقتضا می‌کند، زیرا یک مسیحی که از پدر و مادر مسیحی متولد شده است ادعا می‌کند حق با من است و دیگران همه باطل هستند.

یک شخص یهودی که از پدر و مادر یهودی متولد شده است، معتقد است که آیین یهود حق است. همینطور یک زرتشت، یک شیعه، یک سنی یا یک وهابی چنین عقیده‌ای دارند. ما در دنیا یک حق بیشتر نداریم و ده راه حق وجود ندارد. باطل راه‌های مختلفی دارد.

**(وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ)**

و اینکه این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های مختلف (و انحرافی) پیروی نکنید که شما را از راه حق دور می‌سازد.

**سوره انعام (6): آیه 153**

و:

**(هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي)**

این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

**سوره یوسف (12): آیه 108**

هرکجا به حق آمده، یک راه بیشتر نیست. حق یک راه بیشتر نیست، اما در مقابل باطل راه‌ها و شقه‌ها و قسم‌های مختلفی دارد. ما باید قدری در این زمینه‌ها کار کنیم.

**«حدیث افتراق امت» در منابع شیعه و اهل سنت!**

بنابراین رسول اکرم در روایات متعدد که هم شیعه و هم سنی آنها را نقل کرده‌اند، در این زمینه فرموده‌اند. بنده ابتدا روایتی از کتب شیعه برای عزیزان بیاورم.

ملاحظه کنید در کتاب «کافی» جلد هشتم صفحه 224 آمده است که رسول اکرم فرمود: امت موسی به هفتاد و یک فرقه تقسیم شدند، امت عیسی به هفتاد و دو فرقه و امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند.

**«اَثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ»**

هفتاد و دو فرقه اهل آتش جهنم هستند و یک فرقه اهل بهشت است.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 8، ص 224، ح 283

همچنین در کتاب «خصال» اثر «شیخ صدوق» همین عبارت آمده است که پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود:

**«وَ اِنَّ اُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اَثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ»**

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. یک فرقه اهل نجات است و هفتاد و دو فرقه اهل آتش جهنم خواهند بود.

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 585، ح 11

این روایت در منابع اهل سنت هم آمده است. در کتاب «سنن ترمذی» همان تعبیری نقل شده است که از کتاب «کافی» نقل کردیم که امت یهود به هفتاد یک فرقه و امت مسیح به هفتاد و دو فرقه تقسیم می‌شوند. سپس می‌نویسد:

**«وَتَفْتَرِقُ اُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً»**

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمي، دار النشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت -، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 25، ح 2640

در کتاب «سلسلة الأحاديث الصحيحة» اثر آقای «البانی» جلد سوم صفحه 480 نقل شده است که پیغمبر سوگند  
یاد می‌کند و می‌فرماید:

«والذی نفسی بیده لتفترقن أمتی علی ثلاث وسبعین فرقة، فواحدة فی الجنة، وثلثین وسبعین فی النار،

قیل: یا رسول الله من هم؟ قال: هم الجماعة»

سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن

الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر

والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج 3، ص 480، ح 1492

رسول گرامی اسلام این عبارت را با تأکید بیان می‌کند، به این معنا که قطعی است و هر آینه و البته امت من به  
هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. هفتاد و دو فرقه در آتش جهنم می‌سوزند و یک فرقه اهل نجات هستند.

مجری:

رسول گرامی اسلام که قرآن کریم درباره آن بزرگوار می‌فرماید:

(إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى)

آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (53): آیه 4

و تک تک کلماتشان وحی الهی است، خودشان قسم می‌خورند که چنین اتفاقی خواهد افتاد.

## آیت الله حسینی قزوینی:

بله. همچنین «عبدالقاهر بغدادی» که از متکلمین بنام اهل سنت و متوفای 429 هجری است، می‌نویسد: جماعتی از صحابه مانند «انس بن مالک»، «ابوهریره»، «ابودرداء»، «جابر»، «ابو سعید خدری»، «أبی بن کعب»، «عبدالله بن عمرو عاص»، «أبی أمامه» و دیگران نقل کردند که امت پیغمبر به سه دسته تقسیم می‌شوند. فرقه ناجیه یک دسته است و دیگر فرقه‌ها بر ضلالت در دنیا و گرفتاری و نابودی در آخرت دچار هستند.

آقای «مناوی» متوفای 1031 هجری و از متأخرین در کتاب «الفتح السماوی» جلد دوم نقل می‌کند که پیغمبر فرموده است:

«وتفترق أمتي على ثلاث وسبعين فرقة كلها في الهاوية إلا واحدة»

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. تمام آنها گرفتار آتش جهنم هستند، مگر یکی از آنها.

الفتح السماوی، اسم المؤلف: المناوی، دار النشر: دار العاصمة - الرياض، تحقیق: أحمد مجتبی، ج 2، ص

622، ح 509

بینید چقدر این قضیه واضح و روشن است و برای ما اعلان خطر می‌کند. ما باید در این زمینه دقت کنیم، تحقیق و بررسی کنیم و ببینیم دیگران چه ادله ای برای خود و مذهبشان دارند. شاید آنها حق باشند. اگر حق روشن شد ما باید تابع حق باشیم.

البته در این زمینه سخن زیاد است. اگر سؤال خاصی هست من در خدمت شما هستم. ما این مطالب را خلاصه وار مطرح کنیم تا به تمامی آنها برسیم.

مجری:

بنابراین اولین سؤال این شد: "چرا ما به عنوان یک شیعه که در بطن مسلمانها زندگی می‌کنیم، باید نسبت به مذهب خودمان تحقیق کنیم؟! انگیزه و هدفمان از این مذهب چیست؟!" موضوع اول که مدنظر ماست، این موضوع است.

حضرت استاد در جلسات پیش بارها و بارها نکاتی را که هر جوان شیعه باید بداند، فرمودند. حتماً عزیزانی که تماشاگر برنامه بودند، مطلع هستند و قطعاً در این چند جلسه که مطالب تکرار شد ملکه ذهنشان شده است. یکی از موضوعات این بود: "ادله شیعه برای اثبات حقانیت خودش چیست؟!" ما تفصیل این مطلب را از زبان حضرتعالی بشنویم.

### **آیت الله حسینی قزوینی:**

**موضوع دوم** ادله شیعه نسبت به حقانیت خود است. ما نسبت به این سؤال یک جواب اجمالی داریم و یک جواب تفصیلی که نسبت به ادله شیعه بر امامت الهی و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین است.

روایاتی مطرح شده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعلان خطر کردند که امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شود. از این میان تنها یک فرقه اهل نجات هستند و هفتاد و دو فرقه اهل آتش جهنم‌اند. حال باید ببینیم رسول گرامی اسلام در لابه لای این روایات نسبت به فرقه ناجیه و فرقه هالکه سخنی فرموده‌اند یا خیر؟!

بحث ما بحث علمی است و اهانت و جسارتی هم به آقایان اهل سنت نمی‌کنیم. ما بر این عقیده هستیم و عقیده خود را هم بیان می‌کنیم. آقایان اهل سنت می‌توانند بیایند و عقیده ما را نقد کنند.

در مقابل، یکی از آقایان وهابی جوابیه‌ای به عقاید شیعه نوشته است که تماماً فحش و ناسزا و تکفیر شیعه است. چنین اشخاصی اصلاً ارزش جواب دادن ندارند.

## آیا عمل به قول و فعل صحابه، موجب نجات یک مسلمان می شود!؟

در لابه لای روایاتی که پیغمبر اکرم فرمودند امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند، در منابع اهل سنت دو نکته و پیام وجود دارد که آقایان اهل سنت از یک نکته برای حقانیت خودشان استفاده می کنند. ما باید ببینیم واقعاً این حرفشان درست هست یا خیر و اگر درست هست قبول کنیم.

به عنوان مثال در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد اول از قول رسول اکرم نقل شده است:

**«وتفترق أمتی علی ثلاث وسبعین ملة كلها فی النار إلا ملة واحدة»**

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند. همه آنها در آتش جهنم اند، مگر یک فرقه.

**«فقیل له ما الواحدة»**

اصحاب عرضه داشتند: فرقه واحدهای که نجات پیدا می کنند چه کسانی هستند؟

**«قال ما أنا علیه الیوم وأصحابی»**

حضرت فرمود: همان که امروز من و صحابه من بر معیار آن هستیم.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 1، ص 218، ح 444

در این زمینه سخن بسیار است. یکی از تفاوتهایی که ما با آقایان اهل سنت داریم، این است که ما تابع اهلبیت هستیم و آنها تابع صحابه هستند.

به عنوان مثال مشاهده کنید کتاب «صحيح بخارى» از «ابوهريره» حدود چهارصد و اندى روايت نقل مى‌کند، اما از اميرالمؤمنين تنها بيست و نه روايت نقل مى‌کند. اين کتاب از امام حسن و امام حسين يک روايت هم نقل نمى‌کند و از حضرت فاطمه زهرا تنها يک روايت نقل مى‌کند.

در مقابل ببينيد منابع و کتب اربعه ما همگى مملو از روايات اهلبيت است. در رابطه با اينکه عمل به فعل صحابه نمى‌تواند ما را نجات دهد، ما براى خودمان دليل داريم. در کتاب «صحيح بخارى» حديث 6215 آمده است که رسول اکرم مى‌فرمايد:

**«بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ إِذَا زُمْرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ»**

هنگامى که من در کنار حوض کوثر ايستاده‌ام گروهى را مى‌آورند. وقتى آنها را شناختم آمدند کنار من تا از دست من آب کوثر بنوشند.

**«خَرَجَ رَجُلٌ مِّنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ»**

مردى از ميان من و آنها خارج مى‌شود و به اين گروه مى‌گويد: بيايد برويم.

**«فَقُلْتُ أَيْنَ»**

پرسيدم: آنها را کجا مى‌بريد؟

**«قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ»**

او قسم جلاله مى‌خورد که اينها را به سوى جهنم مى‌بريم.

**«قُلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ»**

پرسيدم: چرا؟ آنها چه کردند؟

«قال إِنَّهُمْ اِزْتَدُوا بِعَدِّكَ عَلَى اُدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى»

او می‌گوید: آن‌ها بعد از تو به دوران قهقری زمان جاهلیت برگشتند.

حال ما کاری با جمله «اِزْتَدُوا بِعَدِّكَ عَلَى اُدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى» نداریم، اما ذیل روایت آمده است که دسته دسته به سمت آتش جهنم می‌روند. حضرت در ادامه می‌فرماید:

«فلا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعْمِ»

اصحاب من از آتش جهنم خلاص نمی‌شوند، مگر تعداد اندکی.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2407، ح 6215

سؤال ما این است صحابه که نمی‌تواند خود را از آتش جهنم نجات بدهد، آیا می‌تواند ناجی ما باشد و ما را نجات بدهد؟! بسیار واضح و روشن است.

«امام مالک» می‌گوید: ای کاش علمای ما حدیث حوض را در کتابهایشان نیاورده بودند. اگر علمای اهل سنت این حدیث را نیاورده بودند بحث دیگری بود، اما مسئله اینجاست که فعلاً حدیث را آورده‌اند.

ملاحظه کنید در کتاب «صحيح بخاری» حدود هجده روایت در رابطه با حدیث حوض نقل شده است و این نشانگر آن است که رفتن به سراغ صحابه برای ما نجات بخش نیست. ما نمی‌توانیم به سراغ صحابه برویم و به هر صحابه‌ای اعتماد کنیم.

ما صحابه را به دو دسته تقسیم می‌کنیم. یک دسته صحابه عادل و متدین هستند و ما به روایات آنها عمل می‌کنیم. البته نه هر روایتی بلکه تنها روایاتی که از پیغمبر اکرم و اهلبیت نقل کرده‌اند.

در مقابل دسته دیگری از صحابه هستند که از طریق مستقیم منحرف شدند و مصداق بارز آیه شریفه:

**(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)**

اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید.

سوره حجرات (49): آیه 6

یا:

**(فَأَعْتَبْهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ)**

این عمل (روح) نفاق را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند.

سوره توبه (9): آیه 77

یا:

**(وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَغْبُذُ اللَّهَ عَلَى حَزْفٍ)**

بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند.

سوره حج (22): آیه 11

هستند. ما قطعاً به روایات این دسته از صحابه عمل نخواهیم کرد. ما به روایات صحابه‌ای که پیغمبر اکرم و خلیفه دوم به آنها حد زده است، عمل نمی‌کنیم.

کسی که حد زده می‌شود صلاحیت شهادت و صلاحیت امام جماعت بودن ندارد. ما چطور می‌توانیم به کسی که صلاحیت امام جماعت بودن در نماز ندارد، در دین خود اقتدا کنیم؟! مطلب بسیار واضح و روشن است.

مراد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از «فرقه ناجیه»، کدام فرقه است!؟

نکته دیگر این است که آقای «هیثمی» متوفای 807 هجری در کتاب «مجمع الزوائد» جلد اول صفحه 179 در رابطه با حدیث افتراق می‌نویسد:

«تفترق أمتی علی بضع وسبعین فرقة»

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند.

«أعظمها فتنة علی أمتی قوم یقیسون الأمور برأیهم»

بزرگ‌ترین فتنه‌ای که بر امت من است آن دسته‌ای هستند که در کارهای دینی به قیاس عمل می‌کنند، نه به کتاب و سنت.

«فیحلون الحرام ویحرمون الحلال»

حرام را حلال می‌کنند و حلال را حرام می‌کنند.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الکتب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 1، ص 179، باب فی القیاس والتقلید

حال باید ببینیم در این میان آن دسته‌ای که به قیاس عمل می‌کند، کدام فرقه هستند. پیغمبر اکرم می‌فرماید: امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. یک فرقه اهل نجات و مابقی اهل آتش جهنم هستند. حال در این روایت آمده است:

«أعظمها فتنة علی أمتی قوم یقیسون الأمور برأیهم»

نکته سوم در کتب شیعه آمده است. در کتاب «وسائل الشیعه» جلد بیست و هفت صفحه 49 روایتی از قول امیرالمؤمنین نقل شده است که پیامبر اکرم می‌فرماید:

«سَتَفْتَرُقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ الْبَاقُونَ هَالِكُونَ»

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. یک فرقه نجات پیدا می‌کنند و مابقی هالک هستند.

«وَ النَّاجُونَ الَّذِينَ يَتَمَسَّكُونَ بِوَلَايَتِكُمْ وَ يَقْتَسِمُونَ مِنْ عِلْمِكُمْ وَ لَا يَعْمَلُونَ بِرَأْيِهِمْ»

فرقه ناجیه کسانی هستند که به ولایت شما عمل می‌کنند و از علم شما استفاده می‌کنند و به رأی و قیاسشان عمل نمی‌کنند.

«فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلِ الْحَدِيثِ»

کسانی که به رأی و قیاس عمل می‌کنند، اصلاً ارتباطی به من ندارند.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج 27، ص 50، ح 33180

ملاحظه کنید کتب شیعه و اهل سنت همگی گویای همین ماجرا هستند. همچنین «ابن مردویه» متوفای 410 هجری در کتاب «مناقب» ذیل روایت هفتاد و سه فرقه همین مطلب را آورده است.

آیا زمانی که پیغمبر اکرم می‌فرماید: "امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند و تنها یک فرقه اهل نجات هستند"، آیا فرقه ناجیه را معین کرده است یا خیر؟! اگر حضرت فرقه ناجیه را معین نکرده است، نستجیر بالله اقرار به جهل کرده است.

دقت داشته باشید این روایت در کتاب شیعه هم نیست، بلکه در کتب اهل سنت است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. هفتاد و دو فرقه در آتش جهنم هستند و تنها یک فرقه در نجات هستند. امیرالمؤمنین ذیل آیه شریفه:

**(وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْذِلُونَ)**

و از آنها که آفریدیم گروهی به حق هدایت می‌کنند و به حق اجرای عدالت می‌نمایند.

**سوره اعراف (7): آیه 181**

می‌نویسد:

**«وهم أنا وشيعتي»**

فرقه ناجیه من و شیعه من هستیم.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سید الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص 331، ح 351

این هم از کتاب اهل سنت است و از کتاب شیعه نیست. بازهم در کتاب «امالی» اثر «شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه)» صفحه 213 روایتی از قول «ابوعقیل» نقل شده است که می‌گوید: من پیش امیرالمؤمنین بودم که صحبت شد. حضرت فرمود:

**«لَتَفَرَّقَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً»**

بعد از من امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند.

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ الْفِرْقَ كُلَّهَا ضَالَّةٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَنِي وَكَانَ مِنْ شِيعَتِي»

قسم به خدایی که جان من در دست اوست تمام هفتاد و سه فرقه در ضلالت هستند، مگر آن فرقه‌ای که از من تبعیت کند و از شیعیان من باشد.

الأمالي (للمفيد)؛ نویسنده: مفید، محمد بن محمد، تاریخ وفات مؤلف: 413 ق، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، 1413 ق، ص 213، ح 3

مجری:

چقدر واضح است که حضرت هم ویژگی‌های ضالون و اهل فتنه را بیان می‌فرمایند و هم صراحتاً اعلام می‌کنند فرقه ناجیه چه کسانی هستند.

آیت الله حسینی قزوینی:

کتاب «امالی» اثر «شیخ طوسی» هم همین تعبیر را در مجلس هجدهم صفحه 523 آورده است و می‌نویسد:

«وَفِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَ هِيَ الَّتِي اتَّبَعَتْ وَصِي مُحَمَّدٍ وَ صَرَبَ بِإِذْنِ عَلِيٍّ صَدْرَهُ»

یک فرقه در بهشت است و آن فرقه‌ای است که از وصی پیغمبر اکرم تبعیت می‌کند و به سینه خود زد.

الأمالی، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ص 524، ح 1159

بنابراین قضیه حدیث حوض برای ما روشن شد، قضیه قیاس و عمل به قیاس هم واضح شد و توضیح داده شد. بشارت به بهشت بر شیعه امیرالمؤمنین در کتب شیعه و کتب اهل سنت نیز روشن شد.

نکته بعد حدیث «کشتی نجات» است که می‌تواند ملاک خوبی باشد. در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد دوم صفحه 373 روایتی از قول پیغمبر اکرم نقل شده است که حضرت فرمودند:

«مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح من ركبها نجا ومن تخلف عنها غرق»

مثل اهل بيت من مثل کشتی نوح است. هرکسی سوار بر کشتی شد نجات یافت و هرکسی تخلف کرد غرق شد.

بعد می‌گوید:

«هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 2، ص 373، ح 3312

این هم نکته دیگری برای ما بود تا بدانیم کسانی که می‌توانند کشتی نجات باشند، اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

کشتی‌های مسافربری طوری هستند که مسافری باید سوار شوند و حرکت می‌کند، اما کشتی نجات به گونه‌ای است که در دریایی که گرفتار طوفان می‌شود خودش به سراغ غریق نجات می‌آید. حال اگر غریق نمی‌خواهد سوار کشتی نجات شود، مسلماً غرق می‌شود.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: این دنیا با وجود هفتاد و سه فرقه دچار تلاطم و طوفان است، به طوری که همگان مدعی حق هستند. به این معنی که هفتاد و دو فرقه در ضلالت و در حال غرق شدن هستند.

در اینجاست که کشتی سراغ آنها می‌آید و می‌فرماید: اگر می‌خواهی از دریای ضلالت و گمراهی نجات پیدا کنی، دستت را به من بده. این کشتی نجات همان اهل بیت (علیهم السلام) است. هرکسی به حرف اهل بیت گوش داد نجات پیدا می‌کند و هرکسی به حرف آنها گوش نداد هلاک می‌شود.

«ذهبی» و «حاکم نیشابوری» هر دو بر صحیح بودن روایت تأکید دارند. نظیر این روایات در کتاب‌های شیعه هم آمده است. در کتاب «عیون اخبار الرضا» جلد دوم آمده است:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا رُجَّ فِي النَّارِ»

مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است. هرکسی سوار بر کشتی شود نجات پیدا می‌کند و هرکسی تخلف کند در دل آتش جهنم در اثر حرارت زجه می‌کشد.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،

ج 2، ص 27، ح 10

«آقای مناوی» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، متوفای 1093 هجری و از متأخرین است ذیل این روایت می‌گوید:

«ووجه تشبیههم بالسفينة أن من أحبهم وعظمهم شكرا لنعمة جدهم وأخذ بهدي علمائهم نجا من ظلمة المخالفات»

مراد از اینکه پیغمبر اکرم اهل بیت را به کشتی نوح تشبیه کرده این است که هرکسی اهل بیت را دوست داشته باشد و به هدایت اهل بیت تمسک کند، از ظلمت مخالفان نجات پیدا می‌کند.

«ومن تخلف عن ذلك غرق في بحر كفر النعم وهلك في معادن الطغيان»

هرکس از رهنمود اهل بیت تخلف کند در دریای کفر نعم و معدن‌های طغیان غرق خواهد شد.

فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى -

مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 5، ص 517، باب طس عن أبي هريرة

بنابراین ما می‌خواستیم در خصوص حدیث حوض، حدیث قیاس، حدیث بشارت، حدیث کشتی نجات و حدیث ثقلین صحبت کنیم.

دوستان دقت کنند در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد سوم صفحه 160 روایتی نقل شده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيته وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

من در میان شما دو چیز گرانبها قرار می‌دهم که یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت من است. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر نزد من آیند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 160، ح 4711

«تفتازانی» در کتاب «شرح مقاصد» تعبیر زیبایی دارد. ایشان در خصوص معنای اینکه پیغمبر اکرم اهل بیت را قرین قرآن کرده است، می‌نویسد:

«ولا معنى للتمسك بالكتاب إلا الأخذ بما فيه من العلم والهداية فكذا في العترة»

این بدان معناست که هرکس به قرآن تمسک کند و به آنچه که عترت از علم و هدایت بیان می‌کند عمل نماید نجات پیدا خواهد کرد و اگر عمل نکند هلاک می‌شود.

شرح المقاصد فی علم الکلام، اسم المؤلف: سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازانی، دار النشر:  
دار المعارف النعمانية - باكستان - 1401 هـ - 1981 م، الطبعة: الأولى، ج 2، ص 303، باب العاشر

نکته ششم بحث نجات در قیامت است. عزیزان دقت کنند ما حدود چهل و سه روایت داریم که بنده به ذکر دو  
سه روایت اکتفا می‌کنم.

آقای «آلوسی» متوفای 1270 هجری که سلفی العقیده هم هست، در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد سی در  
ذیل آیه شریفه:

**(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)**

(اما) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند بهترین مخلوقات (خدا) هستند.

سوره بینه (98): آیه 7

می‌نویسد که رسول گرامی اسلام به امیرالمؤمنین فرمود:

**«هم أنت وشيعتك»**

یا علی! مراد تو و شیعیانت هستی.

«ابن عباس» می‌گوید وقتی این آیه نازل شد رسول اکرم به علی بن ابی طالب فرمود:

**«هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين»**

مراد این آیه تو و شیعیانت در قیامت هستید که از خداوند راضی هستید و خداوند هم از شما راضی  
است.

روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، اسم المؤلف: العلامة أبى الفضل شهاب الدين السيد محمود الأوسى البغدادى، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج 30، ص 207، باب البينة: (7) إن الذين آمنوا... ..

«احمد بن حنبل» در كتاب «فضائل الصحابه» از قول «أم سلمه» نقل می‌کند:

**«يا على أبشر فإنك وأصحابك وشيعتك فى الجنة»**

يا على! بشارت باد كه تو و اصحابت و شيعيانت در بهشت هستيد.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيبانى، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصى الله محمد عباس، ج 2، ص 654، ح 1115

مراد از اين اصحاب همان دو هزار و هشتصد نفرى بودند كه در جنگ جمل با على بن أبى طالب بودند و تا آخر هم معتقد به وصايت و امامت حضرت اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) بودند.

«آقاى لالكائى» در كتاب «اصول عقائد اهل سنت» در صفحه 1540 از «ام سلمه» نقل می‌کند كه پيغمبر اكرم به اميرالمؤمنين فرمود:

**«أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ، أَنْتَ وَشِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ»**

ياعلى بشارت باد تو و شيعيان تو در بهشت هستيد.

شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة، المؤلف: أبو القاسم هبة الله بن الحسن بن منصور الطبرى الرازى اللالكائى (المتوفى: 418 هـ)، تحقيق: أحمد بن سعد بن حمدان الغامدى، الناشر: دار طيبة - السعودية، الطبعة: الثامنة، 1423 هـ / 2003 م، ج 8، ص 1540، ح 2802

آقای «آلوسی» هم همین تعبیر را آورده است که الآن عرض کردیم. جالب این است که «ابن تیمیه» در کتاب «الصارم المسلول» صفحه 1095 می‌نویسد:

«یا علی انت وشيعتك فى الجنة»

ایشان سپس عبارتی را اضافه کرده است و اگر کسی از دوستان اهل سنت روی خط آمد در خصوص این قسمت پاسخ خواهم داد. ایشان می‌نویسد:

«وان قوما لهم نبي يقال لهم الرافضة»

قومی هستند که دمی دارند که به آنها رافضه می‌گویند.

الصارم المسلول علی شاتم الرسول، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: دار ابن حزم - بيروت - 1417، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الله عمر الحلواني، محمد كبير أحمد شودرى، ج 3، ص 1095، فصل فاما من سب احدا من اصحاب رسول الله من اهل بيته وغيرهم

یکی از علمای شیعه نقل می‌کند ما یکبار به مکه رفته بودیم و با چند نفر از وهابی‌ها بحث داشتیم. آن‌ها مدام پشت سر من را نگاه می‌کردند. وقتی پرسیدم قضیه چیست، گفتند: ما در روایت داریم که شیعیان در پشتشان دمی دارند. می‌خواهم ببینم دُم شما کجاست!!!

به قول معروف وقتی عقل نباشد، هر کاری از دست انسان ساخته است. افرادی به «امام شافعی» گفتند: تو رافضی هستی. او گفت:

«إن كان رضا حب آل محمد فليشهد الثقلان أني رافضي»

اگر محبت اهل بیت رافضی بودن است، جن و انس شهادت بدهند که من شافعی رافضی هستم.

تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن الحسن  
ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین اَبی سعید  
عمر بن غرامة العمری، ج 9، ص 20، ح 751

اگر دوستان به کتاب «ابن حجر عسقلانی» مراجعه کنید، می بینند که ایشان مرتب روی این اشعار مانور داده  
است. همچنین آقای «خوارزمی» در کتاب «مناقب» هم همین تعبیر را دارد و می نویسد که پیغمبر اکرم به  
امیرالمؤمنین فرمود:

«یا علی، مروا أنت وشیعتک إلى الجنة بغير حساب»

یا علی، تو و شیعیان تو بدون هیچ حساب و کتابی به بهشت می روید.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سید  
الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة  
المدرسين بقم المشرفة، ص 319، ح 323

اگر ما شیعیان معتقدیم که جزو فرقه ناجیه و اهل نجات هستیم، این ادله ما از فرمایشات پیغمبر اکرم در کتب  
شیعه و اهل سنت است.

اگر آقایان اشکال و ایرادی به بحث ما دارند بیایند مطرح کنند. اگر شبکه های وهابی به عرایض ما نقدی دارند،  
بیایند صحبت کنند. ما به بینندگان عزیز قول می دهیم عین کلماتشان را تبدیل به کلیپ کرده و پخش کنیم.

در مقابل اگر وهابی ها جرأت نکردند به میدان بیایند و حرفهای ما را نقد کنند، ولایت علی بن اَبی طالب ثابت  
می شود.

مجری:

دقیقاً این روشی که حضرت استاد گفتند، همان؛

## (فَبَهتِ الَّذِي كَفَرَ)

آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد.

### سوره بقره (2): آیه 258

است که در قرآن کریم به آن اشاره شده و بارها و بارها هم این منهج و مسلک را از جانب حضرت استاد دیدیم. اتفاقاً در طرف مقابل هم بهت و حیرت آنها را بارها و بارها مشاهده کردیم.

بسیار خوب، حضرت استاد تا این بخش از برنامه بسیار از محضرتان استفاده کردیم. قصد داریم که پنج نکته را تکمیل کنیم، اما یک فاصله بگیریم و برمی گردیم.

بینندگان عزیز منتظر باشید. ان شاء الله این مطالب را یادداشت می کنید که جوایز نفیسی هم به دنبال دارد، جدای از بحث سرشار علمی و معنوی که در این مباحث وجود دارد.

تک تک روایاتی که حضرت استاد می خوانند با بیان شیوای حضرت استاد هرکدام به چندین جلسه زمان نیاز دارد، اما غرض این است که مختصر گویی شود تا ان شاء الله در این جلسه بتوانیم به این پنج موضوع رسیدگی کنیم. یک فاصله می گیریم و در خدمتتان خواهیم بود.

اگر تمام خلایق جدا شوند از او

خدا گواست که کار تمام خلق خطاست

تمامی این هفتاد و سه فرقه ای که راجع به آنها شنیدیم، همگی اهل ضلالت و گمراهی خواهند بود. همه آنها اهل فتنه ای خواهند بود که گستره تاریکی آن بسیار عظیم و بزرگ است.

تنها فرقه ناجیه همانی است که شما بینندگان عزیز توفیق داشتید و از زبان حضرت استاد شنیدید و ما هم از محضرشان استفاده کردیم.

همان فرقه‌ای که نه تنها در کتاب‌های شیعه بلکه کتب مخالفینشان الی ماشاءالله مملو از اسناد و مدارکی است که به آنها تکیه کردند و همین را توضیح دادند.

بسیار خوب، الحمدلله تا این قسمت از برنامه بسیار استفاده کردیم. فرصت برنامه کم است، در حالی که دوست داشتیم بیشتر توضیح می‌دادیم و بیشتر در محضر استاد می‌بودیم.

اولین موضوع از پنج موضوعی که بیان شد، این بود که چرا ما مسلمانان باید در خصوص مذهبمان تحقیق کنیم؟

دومین موضوع به طور کلی این بود که شیعه به عنوان یک گروه چرا خودش را برحق می‌داند؟! حضرت استاد این مطلب را هم بیان فرمودند.

حضرت استاد اشاره فرمودند که سؤال دوم نسبت به کلیت شیعه بود. اگر بخواهیم از گروه شیعه یا فرقه ناجیه یاد کنیم، راجع به کلیت آن صحبت کردیم.

حال اگر بخواهیم به عنوان سؤال سوم به جزئیات آن پردازیم، ادله‌ای که شیعه از کتب تفاسیر و قرآن از منابع اهل سنت بر حقانیت حضرت امیرالمؤمنین خلیفه بلافصل رسول اکرم نقل می‌کنند چیست؟!

**اثبات حقانیت ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فقط با سه آیه و سه روایت!**

**آیت الله حسینی قزوینی:**

موضوع سوم در خصوص ادله شیعه بر خلافت امیرالمؤمنین است. ما قبلاً مفصل راجع به این موضوع صحبت کردیم و گفتیم سه آیه از قرآن و سه روایت را انتخاب می‌کنیم. آیه سوم و پنجاه و پنج و شصت و هفت سوره مبارکه مائده.

الان فرصت نیست تا بخواهیم مفصل در این زمینه توضیح بدهیم، اما در منابع اهل سنت بیان شده است که در هر سه با سند صحیح آمده است مراد امیرالمؤمنین است. طبق آیه شریفه:

**(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)**

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

**سوره مائده (5): آیه 55**

ولایت مطلقه از آن خداست، ولایت مطلقه از آن پیغمبر اکرم است و ولایت مطلقه از آن مردی است که در حال نماز انگشتر به سائل می‌بخشد.

از میان علمای اهل سنت «آقای طبری» در کتاب «تفسیر» خود جلد 6 صفحه 390، آقای «ابن ابی حاتم» در کتاب «تفسیر» خود جلد 4 صفحه 1162، آقای «آلوسی» در کتاب «تفسیر» خود جلد شش صفحه 167 و صفحه 186 می‌گویند مراد علی بن ابی طالب است. آیه شریفه:

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)**

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

**سوره مائده (5): آیه 67**

این مطلب در کتاب «تفسیر ابن ابی حاتم» جلد چهار صفحه 1172، «تفسیر آلوسی» جلد شش صفحه 193 و تفاسیر متعدد دیگر آمده است.

کتاب «تاریخ بغداد» جلد هشتم صفحه 284 و 285 آمده است که وقتی علی بن ابی طالب برای خلافت در غدیر خم نصب شد، این آیه نازل شد:

**(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)**

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

**سوره مائده (5): آیه 3**

خلیفه دوم آمد و تبریک گفت. آقای «ابن کثیر دمشقی» متوفای 774 هجری در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هفتم صفحه 307 نقل می‌کند بعد از اینکه پیغمبر اکرم، علی بن ابی طالب را برای خلافت نصب کرد خلیفه دوم آمد و گفت:

**«هنیئاً لک یا ابن ابی طالب اصبحت الیوم ولی کل مؤمن»**

گوآرا باد این مقام برای توای فرزند ابوطالب. امروز ولی امر همه مؤمنین شدی.

**البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف – بیروت، ج 7، ص 350، باب حدیث غدیر خم**

این سه آیه در خصوص ولایت بود. ما در گذشته سه روایت هم بیان کردیم که ان شاء الله تفسیر آن را بعداً عرض خواهیم کرد. روایت اول حدیث ولایت است که می‌فرماید:

**«أنت ولی کل مؤمن بعدی ومؤمنة»**

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 143، ح 4652

«ذهبی» می‌گوید که این روایت صحیح است. آقای «البانی» هم در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحيحة» جلد پنج صفحه 222 می‌گوید: روایت صحیح است.

### «وَأنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1400، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألبانی، ج 2، ص 565، ح 1188

آقای «ابن ابی عاصم» در ادامه می‌گوید که روایت صحیح است. همچنین «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سه صفحه 143 این روایت را نقل می‌کند:

### «وَأنت خلیفتی»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 143، ح 4652

ایشان در ادامه می‌گوید که روایت صحیح است. در روایت دیگر درباره علی بن ابی طالب سه مسئله وحی شده است که می‌فرماید:

### «أوحی إلی فی علی ثلاث أنه سید المسلمین وإمام المتقین وقائد الغر المحجلین»

در ادامه می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 148، ح 4668

طبق این روایت امام المتقین علی بن ابی طالب است. همچنین «خوارزمی» در کتاب «مناقب» صفحه 61 می نویسد:

«أنت امام كل مؤمن ومؤمنة»

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سيد الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي، ص 61، ح 31

ما این سه آیه و سه روایت را انتخاب کردیم. ان شاء الله به حول و قوه الهی عزیزان ما از «سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» این مبحث را که حدود هشت صفحه است دانلود کنند.

ما تلاش می کنیم که تا فردا غروب این مبحث را در سایت قرار بدهیم، دوستان می توانند این مبحث را از سایت دریافت کنند.

بنده تلاش کردم شب بیست و یکم که شب قدر هم بود، به این مباحث پردازم. نقل شده است اصحاب از امام صادق (علیه السلام) سؤال می کنند: بهترین عمل در شب بیست و یکم چیست؟

حضرت نمی فرماید نماز بخوانید یا دعای جوشن کبیر بخوانید، بلکه می فرماید: بهترین عمل طلب العلم است؛ علم معرفة الله و معرفة الامام.

بنده این مطالب را در شب بیست و یکم بیان کردم و ثوابش را به روح پاک امیرالمؤمنین هدیه می‌کنیم. بنده تلاش کردم این مطالب را با قلم ساده بنویسم که حتی یک کودک 6 ساله هم به آسانی بتواند متوجه شود و از به کار بردن لغات سنگین هم اجتناب کردیم.

ما تلاش کردیم بیشتر از چند کلمه عربی به کار نبریم و مابقی مطالب را فارسی به کار ببریم. ان شاء الله در خدمت شما هستیم.

آنچه در این زمینه مهم است، روایتی است که از امام باقر (علیه السلام) در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 289 نقل شده است. این روایت که صحیحه اعلائی هم هست، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است. حضرت در این روایت به این سه آیه استناد می‌کند. آیات:

**(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)**

:9

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)**

:9

**(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)**

بنده این آیات را هم به زبان فارسی ساده در برنامه‌ای که عزیزان ما دانلود می‌کنند، قرار دادیم. ان شاء الله غنچه‌های ولایت سابق و عزیزان غنچه‌های ولایت لاحق این مطالب را ملاحظه می‌کنند. اگر سؤالی هم بود سؤالاتشان را مطرح می‌کنند و ما در خدمتشان هستیم.

اگر دوستان بتوانند این مطالب را زودتر برای شب عید حفظ کنند، در شب عید فطر جوایزی اهدا خواهیم کرد. ان شاء الله ما از میان عزیزان شرکت کننده پنج نفر به عنوان نفر اول، پنج نفر به عنوان نفر دوم و ده نفر هم به عنوان نفرات سوم انتخاب می‌کنیم و در خدمتشان هستیم.

### مجری:

ان شاء الله، أحسنتم. همانطور که حضرتعالی برای بینندگان توضیح دادید، کاملاً مختصر و فهرست وار فرمودید که ان شاء الله قطعاً تا فردا این فایل بارگذاری خواهد شد. دوستان عزیز پیگیر این برنامه باشید و این فایل را بارگیری کنید تا بتوانید از تمامی مطالب بهره‌مند شوید.

بنابراین تا الآن سه سؤال مطرح شد. سؤال چهارم که می‌خواهیم بپرسیم، اتفاقاً سؤال بسیاری از افرادی است که ممکن است شبکه‌های وهابی را پیگیری کنند و ممکن است به نوعی مرتبط با این افراد باشند.

### اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به خلافت می‌رسید، چه اتفاقاتی می‌افتاد؟!

سؤال این است که می‌گویند شما که دم از ولایت و خلافت و امامت امیرالمؤمنین می‌زنید، به ما بگویید که اگر علی بن ابی طالب به منصب و جایگاه و مقام خلافت می‌رسید چه اتفاقی می‌افتاد؟

این سؤال را از حضرت استاد بپرسیم. ان شاء الله بناست که شما در آینده پاسخگو باشید. از حضرت استاد بپرسیم که چگونه باید به این شبهه پاسخ داد که اگر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب خلیفه می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

### آیت الله حسینی قزوینی:

موضوع چهارم در این خصوص است که اگر امیرالمؤمنین به خلافت می‌رسید، چه اتفاقاتی می‌افتاد. ما قبلاً هم در این زمینه صحبت‌هایی داشتیم، اما الان هم به صورت خلاصه عرض کنم. اگر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه می‌شد، پنج اتفاق در جامعه می‌افتاد.

اتفاق اول اینکه علی بن ابی طالب زمینه ساز عمل به کتاب و سنت است. خلیفه دوم می‌گوید: شایسته‌ترین کسی که مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم وادار کند، علی بن ابی طالب است. به جهت اینکه ما قبلاً مفصل در این زمینه بحث کردیم، روایات را نشان نمی‌دهیم.

اتفاق دوم اینکه علی بن ابی طالب باعث هدایت مردم به صراط مستقیم است. «احمد حنبل» در کتاب «مسند» جلد اول صفحه 537 با سند صحیح نقل می‌کند: ای مردم! اگر علی را امیرالمؤمنین کنید گرچه می‌دانم نمی‌کنید، همه شما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

«بزار» می‌گوید: اگر علی را خلیفه معین کنید گرچه می‌دانم هرگز این کار را نمی‌کنید، شما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند. صراط مستقیم همان است که قرآن کریم می‌فرماید:

### (کتابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)

این کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکیهای (شرک و ظلم و طغیان) به سوی روشنایی هدایت کند.

### سوره ابراهیم (14): آیه 1

اتفاق سوم اینکه علی بن ابی طالب باعث رهنمود جامعه به سوی حق است. در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد دوم صفحه 95 از قول خلیفه دوم نقل شده است که می‌گوید: اگر علی بن ابی طالب خلیفه شود، همه مردم را به حق دعوت می‌کند.

اتفاق چهارم این است که علی بن ابی طالب دنیای مردم را آباد می‌کند. ما در بحث‌هایی که ذیل خطبه 92 «نهج البلاغه» داشتیم، عرض کردیم که امیرالمؤمنین می‌آید و ثروت خدادادی را بالسویه بین مردم تقسیم می‌کند.

برای علی بن ابی طالب سیاه و سفید، عبد و مولا، عرب و عجم تفاوتی ندارد. اگر چنانچه این نعمت خدادادی بالسویه بین مردم تقسیم شود دیگر در جامعه شاهد آن نخواهیم بود که یک نفر میلیاردر باشد و شخص دیگر به نان شب خود محتاج باشد.

اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد، دنیای مردم را آباد می‌کرد. در کتاب «بلاغات النساء» اثر «ابن ابی طیفور» نقل شده است که حضرت صدیقه طاهره می‌فرماید: اگر آن کسی که پیغمبر اکرم معین کرده بود را خلیفه می‌کردید، از تمام برکات آسمان و زمین بهره‌مند می‌شدید.

اتفاق پنجم این است که پیغمبر اکرم فرمود: سوگند به خدایی که جان من در قبضه قدرت اوست اگر از علی بن ابی طالب اطاعت کنید، تمام شما را وارد بهشت خواهد کرد.

بنابراین اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد این پنج اتفاق رخ می‌داد. زمینه ساز عمل به کتاب و سنت، باعث هدایت مردم به صراط مستقیم، باعث رهنمود جامعه به سوی حق، ضامن رفاه دنیوی و ضامن رستگاری و سعادت اخروی.

### مجری:

أحسنتم، بسیار خوب. حضرت استاد بسیار عالی و زیبا و شیوا فرمودید. حال به سؤال پنجم بپردازیم.

### پنج عاملی که باعث شد مردم با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکنند!

علی رغم تمامی توضیحات و تفسیرها مخصوصاً در سؤال چهارم به روایاتی اشاره فرمودید که رسول گرامی اسلام می‌فرمودند: امیرالمؤمنین شما علی بن ابی طالب است. او را انتخاب کنید. حال می‌خواهیم ببینیم چه اتفاقی افتاد که مردم با آن وجود نازنین بیعت نکردند؟!

### آیت الله حسینی قزوینی:

موضوع پنجم پیرامون عواملی است که باعث شد مردم با امیرالمؤمنین بیعت نکنند. در این زمینه صحبت بسیار زیاد است.

من غصه‌های زیادی در سینه دارم. چند شب پیش که مطالعه می‌کردم، به روایتی برخورد کردم. کامپیوتر را کنار گذاشتم، در را بستم و با صدای بلند برای مظلومیت امیرالمؤمنین گریه کردم.

در اینجا هم پنج مسئله وجود دارد. بنده این مسائل را خلاصه وار عرض می‌کنم و ان شاء الله در جلسات بعدی مفصل در این زمینه توضیحاتی بیان می‌کنم.

امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» خطبه 162 می‌فرماید: اولین دلیلی که مردم نگذاشتند ما به خلافت برسیم خودخواهی، انحصارطلبی، دخالت و حسادت مردم بود به مقامی که خداوند به ما داده بود. دلیل دوم کینه‌های نهفته در دل مردم بود. پیغمبر اکرم فرمود:

### «ضغائن فی صدور اقوام لا یبدونها لک إلا من بعدی»

کینه‌هایی در سینه یک دست از اقوام می‌بینم که آنها بعد از من این کینه‌ها را ظاهر می‌کنند.

مسند أبی یعلی، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن المثنی أبو یعلی الموصلی التمیمی، دار النشر: دار المأمون للتراث - دمشق - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، تحقیق: حسین سلیم أسد، ج 1، ص 426، ح 565

دلیل سوم خیانت و پیمان شکنی است. «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم صفحه 150 می‌نویسد که امیرالمؤمنین فرمود: یکی از وصیتهایی که پیغمبر اکرم به من کرد، این بود که امت در حق من خیانت و پیمان شکنی می‌کند.

دلیل چهارم انتقام پیغمبر اکرم از علی بن ابی طالب است. در کتاب «شرح نهج البلاغه» اثر «ابن ابی الحدید» جلد بیستم صفحه 298 آمده است که امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«اللهم إني أستعديك على قریش»

خدایا مرا در برابر قریش یاری کن.

«فإنهم أضمروا لرسولک ص ضربا من الشر و الغدر»

زیرا قریش می‌خواستند پیغمبر تو را بکشند و نابود کنند.

«و حلت بینهم و بینها»

خدایا تو پیغمبرت را از شرّ قریش حفظ کردی.

«فکانت الوجبة بی و الدائرة علی»

سپس انتقام پیغمبرت را از من گرفتند.

«اللهم احفظ حسنا و حسینا»

خدایا حسن و حسینم را از شرّ قریش حفظ کن.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح:

ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج 20، ص 298، ح 413

همچنین در کتاب «شواهد التنزیل» اثر «حسکانی» جلد اول صفحه 253 ذیل آیه شریفه:

(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ)

آمده است که به پیغمبر اکرم خطاب شد که علی را به عنوان ولی معرفی کن. پیغمبر اکرم فرمود:

«وما منهم رجل إلا وقد وتره ولیهم»

شخصی در اطراف من نیست مگر اینکه یکی از اقوامش به دست علی بن ابی طالب به هلاکت نرسیده باشد.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، نویسنده: الحاکم الحسکانی، وفات: ق 5، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، چاپ: الأولى، سال چاپ: 1411 - 1990 م، ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی- مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، ج 1، ص 254، ح 248

حضرت به صراحت فرمودند: هرکدام از قوم و قبیله من که بعد از فتح مکه در اطراف من هستند، یکی از اقوامشان به دست علی بن ابی طالب به هلاکت رسیده و کینه علی را در دل دارند. آنها علی را تکذیب می‌کنند. تا جایی که خداوند عالم فرمود:

**(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)**

خداوند عالم فرمود: خداوند تو را از شر این مردم که اقوامشان به دست علی بن ابی طالب به هلاکت رسیده است، حفظ خواهد کرد.

همچنین حضرت فاطمه زهرا در خطبه غزا و آتشین خود که در کتاب «بلاغات النساء» اثر «ابن ابی طیفور» متوفای 280 آمده است، می‌فرماید:

**«ما الذى نقموا من أبى الحسن»**

این چه انتقامی است که از علی گرفتند؟

**«نقموا و الله منه نكير سيفه»**

به خدا سوگند این انتقام ضرب شصت شمشیر علی است که امروز می‌گیرند.

بلاغات النساء، نویسنده: ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، ص 32، باب کلام فاطمة بنت رسول الله ص

در این زمینه روایت زیاد داریم. آخرین روایت از امام رضا (علیه السلام) است. اصحاب از حضرت سؤال کردند: چرا با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکردند؟! حضرت فرمود:

«قَدْ كَانَ قَتْلَ مَنْ آبَائِهِمْ وَ أجدَادِهِمْ وَ إِخْوَانِهِمْ وَ أعمَامِهِمْ وَ أَخْوَالِهِمْ وَ أَقربَائِهِمْ الْمُحَادِّينَ لِلَّهِ وَ لِرسولِهِ عَدَدًا كَثِيرًا»

علی بن ابی طالب پدران، اجداد، برادران، عموها، دایی‌ها و نزدیکان کسانی که به جنگ با پیغمبر اکرم آمده بودند را به درک واصل کرد.

«فَلَمْ يَجِبُوا أَنْ يَتَوَلَّى عَلَيْهِمْ»

آن‌ها نمی‌خواستند علی بر آنها ولایت، خلافت و امامت کند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،

ج 2، ص 81، ح 15

این پنج دلیلی است که با علی بیعت نکردند.

**مجری:**

از یک طرف حضرتعالی بسیار شیرین و شیوا فرمودید و از طرف دیگر مطالب واقعاً دارای محتوایی است که جا دارد انسان زجه بزند و دق کند بخاطر این اعمال و رفتار و ظلم عظیمی که در حق تمامی بشریت تا انتهای عالم انجام شد.

حضرت استاد بسیار از فرمایشاتتان استفاده کردیم. عزیزان پشت خط هستند، اما اگر اجازه بفرمایید قبل از آن بنده تیتروار این موضوعات را بخوانم.

عزیزان بیننده هم حتماً برای دیدن این مطالب به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مراجعه  
بفرمایید، ان شاء الله مطالب تا فردا بارگذاری خواهد شد.

موضوع اول این بود که چرا ما مسلمانان باید نسبت به مذهب خودمان تحقیق کنیم. موضوع دوم این است  
که ادله شیعه برای آنکه خود را گروه و فرقه ناجیه می‌نامد، چیست؟! چرا می‌گوید ما برحق هستیم؟!!

موضوع سوم این بود که ادله شیعه بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین طبق قرآن و تفاسیر اهل سنت چیست؟!!

موضوع چهارم این بود که اگر امیرالمؤمنین به خلافت می‌رسید، چه اتفاقاتی رخ می‌داد؟! موضوع پنجم اینکه  
چه عواملی باعث شد که مردم آن زمان با امیرالمؤمنین بیعت نکنند؟

ان شاء الله این مطالب را به خوبی مطالعه بفرمایید. قطعاً اجر و ثواب اصلی چیزی است که در نزد خداوند خواهد  
بود و ائمه اطهار پاداش مجاهدت شما را خواهند داد.

الحمد لله یک رزق و روزی دنیوی هم رسیده و ان شاء الله بینندگان مخصوصاً نونهالان زیر چهارده سال که علم  
آموزی آن‌ها می‌تواند در تمامی مراحل زندگی مؤثر باشد، اگر این مطالب را یاد بگیرند برایشان بیشتر مثمر ثمر  
خواهد بود. عزیزان مطالب را بخوانند و پاسخگوی سؤالات باشند.

### تماس بینندگان برنامه:

متأسفانه زیاد فرصت نداریم و مستقیم به سراغ تماس‌های شما بینندگان عزیز می‌رویم. جناب آقای نهنگی از  
مشهد پشت خط هستند. آقای نهنگی در خدمتتان هستیم، بفرمایید.

بیننده (آقای نهنگی از مشهد - شیعه):

سلام علیکم.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله، بفرمایید.

**بیننده:**

ضمن عرض خسته نباشید. مطلبی که می‌خواستم عنوان کنم در خصوص این است که امروز بعد از مدت‌ها که برنامه شما را تماشا می‌کردم، تیرهای آخر شلیک شد.

تجربه‌ای که بنده داشتم این بود که برخی از دوستان ما که در شهرستان‌های اطراف ما از اهل سنت بودند، با یک سری حقایق و مسائل و قضایا آشنا شدند.

آن‌ها وقتی با وجود این قضیه می‌خواهند در اجتماعشان برخورد کنند، زیاد مشکل داشتند. واقعاً باید روی این قسمت قضیه کار شود تا حداقل بتوانند این برنامه‌ها را ببینند.

تماشای این برنامه‌ها از تلویزیون خانگی که امکان پذیر نیست. حداقل باید برنامه‌ای ترتیب داده شود تا جوانان از طریق گوشی‌هایشان این برنامه‌ها را ببینند. آن‌ها جرأت نمی‌کنند سراغ این برنامه‌ها بروند.

بنده افرادی را می‌شناسم که سی سال است با خانواده زندگی کرده‌اند و سپس از پدر و مادر جدا شده‌اند، اما حال که مذهبش تغییر کرده اصلاً نمی‌تواند آنجا زندگی کند.

مسئله تعصب در اهل سنت خیلی عجیب جوانان را گرفتار کرده است. جوانانی که دیر متوجه شده‌اند، حال گیر کرده‌اند و نمی‌دانند چطور این قضیه را حل کنند.

مطلب دوم این است که می‌خواستم بپرسم آقای «حنفی» که در واقع نوه «نعمان» می‌شود، در مذهب ما چه جایگاهی دارد؟! ایشان همان شخصی است که مؤسس یکی از فرقه‌های اهل سنت هست یا خیر؟!

**مجری:**

تشکر می‌کنیم آقای نهنگی عزیز که از مشهد مقدس با برنامه خودتان در ارتباط بودید. ان شاء الله نایب الزیاره ما در محضر حضرت امام هشتم امام علی بن موسی الرضا باشید. حضرت استاد سؤال ایشان را پاسخ بفرمایید.

### آیت الله حسینی قزوینی:

اولاً مستبصرین مشکلاتی دارند. ملاحظه می‌کنید در صدر اسلام افرادی که به اسلام روی می‌آوردند، چه مسائل و مشکلاتی داشتند.

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا)

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید.

### سوره فصلت (41): آیه 30

اگر واقعاً تشخیص دادند که مسلکی بر حق است، باید مسائل و مشکلات آن را هم تحمل کند. البته منظور ما تنها مذهب شیعه محض نیست.

اگر یک شیعه تشخیص دهد که اهل سنت حق است، هرگونه مسائل و مشکلاتی برایش پیش آمد باید آن را تحمل کند. همچنین اگر یک سنی تشخیص داد که مذهب شیعه حق است، باید مشکلات آن را هم تحمل کند.

ما افرادی داشتیم که بعد از شیعه شدن پدر و مادر و اقوامشان او را طرد کردند، او را تهدید به مرگ شدند، او را کتک زدند، او را از خانه بیرون کردند یا اراذل و اوباش را وادار کردند همسرش را کتک زدند به طوری که همسرش جلوی چشمش وضع حمل کرد.

شخصی بود که چندین ماه در مسجد جمکران روی فرش‌ها می‌خوابید، اما عاقبت خداوند عالم درهای رحمت را به رویش باز کرد.

در رابطه با «ابوحنیفه» نوه «نعمان بن ثابت» باید بگوییم که ایشان رئیس فرقه حنفیه است. ما به تمام فرق اسلامی احترام می‌گذاریم و هرگونه اهانت و جسارت به آنها را خلاف شرع و حرام بین می‌دانیم.

چه بسا گاهی اوقات توهین به مقدسات اهل سنت و ائمه اهل سنت گناه نابخشودنی است، زیرا فتنه ایجاد می‌کند و قرآن کریم می‌فرماید:

### (وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (2): آیه 191

ما آقای «ابوحنیفه» را قبول نداریم، «مالک» را قبول نداریم، «شافعی» را قبول نداریم، «احمد بن حنبل» را قبول نداریم.

در مقابل ما به ائمه اهل سنت توهین و اهانت و جسارت هم نمی‌کنیم. ما برای شخصیت آنها احترام خاصی قائل هستیم، به طوری که حرفشان را می‌زنیم و نقد می‌کنیم. البته نه با فحش و اهانت و جسارت، بلکه با مسائل علمی با آنها برخورد می‌کنیم.

**مجری:**

بسیار عالی، خیلی ممنونیم. همچنین تشکر می‌کنیم از آقای «نهنگی» عزیز که این سؤال را پرسیدند.

در مقابل ما بسیار زیاد می‌بینیم که در شبکه‌های وهابی و کتب قدمای اهل سنت بارها و بارها علما و تک تک افرادی که خارج از مذهب آنها هستند، تکفیر می‌کنند و حکم به قتل آنها را می‌دهند.

جناب آقای اسماعیلی از ابهر پشت خط هستند. آقای اسماعیلی ان شاء الله صدای گیرنده را کامل بستید و از طریق تلفن با ما در ارتباط باشید. در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای اسماعیلی از ابهر - شیعه):

سلام علیکم جناب مرعشی و استاد حاج آقای حسینی قزوینی.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

اینجانب اسماعیلی هستم از ایران شهرستان ابهر زنجان، طاعاتتان قبول درگاه حق باشد. شهادت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را به عموم شیعیان و بشر وجدان آگاه تسلیت عرض می‌نمایم.

سؤال بنده این است که آورنده ویروس کرونا چه کسی است و چرا آورده است؟! این یک سؤال است. البته به نظر بنده حقیر وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم دو مطلب می‌بینیم.

امتحان با کلمه (وَ لَنْبُلُوَنَّكُمْ) برای مؤمنان و انتقام با کلمه (انْتَقَمْنَا) برای کفار و مشرکین و منافقان آمده است. خداوند زندگی مردم و رسالت پیامبران را در طول تاریخ بیان می‌فرماید.

فلان پیامبر به مردم گفت: خدا را بپرستید و ظلم نکنید. در مقابل مردم حرف پیامبر را گوش نکردند و ما هم انتقام گرفته و سنگ بر سرشان بارانیدیم و هلاکشان کردیم، در زمان پیامبر دیگر صاعقه فرستادیم یا در زمان پیامبر دیگر غرقشان کردیم و غیره ذلک.

این بلاها و امتحانات برای مؤمنان نیز بود تا معلوم شود مؤمنان در قبال بلا صبر کرده و شکر خدا را می‌کنند یا نعوذ بالله کفر می‌کنند و برای معاش خود دزدی و قتل و دین فروشی و خود فروشی می‌کنند.

می‌دانید که در آخر آیه (وَ لَنْبُلُوَنَّكُمْ) عبارت (وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) آمده است. بنابراین برای زمان ما هم خداوند ویروس کرونا را ارسال فرموده است. بنده از استاد محترم تقاضا می‌کنم این مطلب را روشن بفرمایید.

البته در تریبون‌ها و منابر و رادیو و تلویزیون این مطلب را نگفتند یا بنده نشنیدم. لطفاً روشن بفرمایید که نظر بنده درست است یا خیر. سؤال دوم این است که چرا خداوند در آیه شریفه؛

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)**

نام حضرت علی را به پیامبر نفرموده است تا این همه شک بین مردم بوجود نیاید؟! متشکر و ممنونم، خدانگهدار.

**مجری:**

تشکر می‌کنیم از جناب آقای اسماعیلی که از ابهر همراه برنامه خودتان برنامه «حبل المتین» بودید.

حضرت استاد سؤال اولشان راجع به این است که در بحث ویروس کرونا دو رویه می‌توانیم در نظر بگیریم. آیا ما این ویروس را به عنوان یک امتحان الهی در نظر بگیریم مانند عذاب‌هایی که قبلاً برای امت‌های سابقه وجود داشته است یا این ویروس را یک بلا یا پدیده معمولی در نظر بگیریم که ممکن است هر زمانی بوجود بیاید؟! کدام یک از این دو رویه می‌تواند باشد؟!

**آیت الله حسینی قزوینی:**

بنده از این برادر عزیزمان تشکر می‌کنم. من در بحث سابق پیرامون «اخلاق علوی» این مطالب را مفصل توضیح دادم. امیرالمؤمنین در وصف متقین می‌فرماید:

**«نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَمَا نَزَلَتْ فِي الرَّخَاءِ»**

مؤمنین در بلا آنچنان از خدا راضی هستند که در نعمت راضی‌اند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 75،

ص 23، ح 89

دلیل راضی بودن مؤمنین در هنگام بلا این است که هرچه هست از سمت خداوند عالم است. وقتی «جابر» خدمت امام باقر (علیه السلام) می‌آید، عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله! من یک حالی هستم که بیماری را بیش از صحت دوست دارم و بلا را بیش از رفاه دوست دارم.

حضرت فرمود: ما اینطور نیستیم. من هرچه خدا می‌پسندد را می‌پسندم. بنابراین همانطور که وقتی خدا به ما نعمت می‌دهد خوشحال هستیم، وقتی بلایی نازل شد هم باید خوشحال باشیم.

بلاها هم دارای فوایدی هستند؛ اولاً اگر گناهی داشته باشیم گناه را از بین می‌برد و ثانیاً اگر گناهی نداشته باشیم مقامات ما را به درجات بالا می‌رساند. همچنین بسیاری فواید دیگر دارد که از آن بی خبریم. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

**«إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ»**

بلا برای ظالمین ادب است و برای مؤمنین امتحان است و برای پیامبران درجه است.

پیامبران مصائب زیادی متحمل شدند. به عنوان مثال حضرت یحیی را میان درخت گذاشتند و با اره تکه تکه کردند. حضرت سید الشهداء را با آن وضعیت دلخراش شهید کردند و بعد از افتادن در گودی قتلگاه با چوب و شمشیر و نیزه و سنگ به وجود نازنین حضرت حمله کردند.

**«وَ لِلأُولِيَاءِ كِرَامَةٌ»**

و برای اولیاء کرامت است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 64،

ص 235، ح 54

بنابراین ما باید در اینطور قضایا تحمل کنیم. الان فرصت طرح این مباحث نیست، اما مسئله پیشگیری یک امر ضروری است. ما در این زمینه از ائمه اطهار (علیه السلام) و حتی رسول اکرم و امیرالمؤمنین روایت داریم.

حضرت می‌فرمایند: اگر بعضی از حیوانات مانند گاو و گوسفند بیمار شدند، جای آنها را عوض کنید تا بیماری از حیوانات بیمار به حیوانات سالم منتقل نشود.

ملاحظه کنید ائمه اطهار (علیهم السلام) حتی نسبت به سلامت حیوانات امر فرموده‌اند. افرادی که به مسائل بهداشتی دقت نمی‌کنند و به تذکرات و التماس‌های وزیر بهداشت گوش نمی‌دهند، حداقل حرف اهلبیت را بپذیرند.

اهلبیت (علیهم السلام) نسبت به بیماری بسیار سفارش کردند تا جایی که می‌فرمایند: اگر جایی بیماری وبا بود، نگذارید کسی از آنجا خارج شود یا در آن محل داخل شود.

ائمه اطهار تمام این پیشگیری‌ها را امر فرمودند، در حالی که می‌توانستند با یک دعا تمام این بیماریها را رفع کنند. خداوند عالم اینطور اراده فرموده و ائمه اطهار هم تسلیم اراده الهی هستند.

### مجری:

بسیار خوب، حضرت استاد بسیار از محضرتان تشکر می‌کنیم. البته سؤال دیگر آقای اسماعیلی باقی ماند. آقای اسماعیلی منتظر باشید و در جلسه آینده حتماً برنامه را ببینید. ما ان شاء الله سؤالتان را مطرح خواهیم کرد و از حضرت استاد می‌خواهیم تا پاسخگو باشند.

سؤالشان راجع به این بود که چرا در آیه شریفه **(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)** نام امیرالمؤمنین نیامده است. ان شاء الله در جلسه آینده به این سؤال هم خواهیم پرداخت.

همچنین تشکر می‌کنم از تمامی شما بینندگان عزیز و ارجمند که تا پایان برنامه «حبل المتین» در آخرین شب جمعه ماه مبارک رمضان همراه ما بودید. ما را از دعای خیرتان بی نصیب نگذارید و حتماً وقت افطار و سحر ما را هم دعا کنید. تا دیدار آینده خدانگهدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته